



دروازه بان درجه یک، شجاع و جسوری بودند که از دروازه مثل ناموس شان دفاع می کردند و در این زمینه خیلی بی باک بودند. در یک مقطعی از ایشان پرسیدم چرا ورزش را کنار گذاشتید در حالی که خیلی جدی ورزش می کردید؟ در پاسخ گفتند: احساس کردم خانواده به خصوص همسر حق دارند و باید وقت بیشتری را به آنها اختصاص بدهم. شهید فخری زاده سعی داشتند تا زمان بیشتری را به همسرشان اختصاص دهند و در همین راستا می گفتند: زمانی که برای ورزش صرف می کردم را برای انجام کارهای اداری و جمع و جور کردن آنها می گذارم و در عوض شب ها همراه با خانمم پیاده روی می رویم. غرضم از بیان این مطلب این است که ایشان ارزش زیادی برای ورزش قائل بودند اما اگر لازم بود اولویت را به خانواده و همسرشان می دادند و این تعهد و توجه برای من بسیار آموزنده بود.

🔴 برنامه ریزی دقیق

شهید فخری زاده، مدیران و پرسنل سازمان را هم جزئی از خانواده خود می دانستند. یک سری دایره متحدالمرکز را تصور کنید؛ دایره کوچک خانواده فرد، دایره بزرگ تر شامل مدیرانی می شود که با او کار می کنند و خانواده بزرگ تر دربرگیرنده سازمان است و وزارت دفاع برای شان خانواده بزرگ تر تلقی می شد. شهید فخری زاده فوق العاده منظم بودند و برنامه ریزی مناسبی برای وقت شان داشتند تا حدی که کسی را ندیدم که به اندازه ایشان منظم باشد. مدام برنامه های شان را یادداشت و در تمام جلسات برای خودشان صورت جلسه تنظیم می کردند تا در جلسات بعدی به یادداشت های خودشان ارجاع دهند. همیشه می دانستیم که آقای فخری زاده دقت زیادی به محتوای جلسات دارند، بنابراین این امکان وجود نداشت که یک جلسه حرفی بنیزد و در جلسه دیگری حرف متناقضی را مطرح کند چون ایشان هم بر زمان جلسه نظارت داشتند و هم توجه کاملی به محتوای ارائه شده می کردند. ایشان واقعا نسبت به تک تک افراد سازمان تعلق خاطر داشتند؛ پای مدیران شان می ایستادند و اگر کسی مشکلی داشت واقعا پیگیر موضوع می شدند تا آن را حل و فصل کنند. من با افراد دیگری هم دورا دور کار کردم اما کسی را ندیدم که به این سفت و سختی پیگیر کارکنانش باشد تا حدی که اگر مسأله ای برای پرسنل شان ایجاد می شد سعی می کردند آن را حل کنند و واقعا برای این کار وقت می گذاشتند. درخصوص این موضوعات آدم متعصبی بودند و ممکن بود به دلیل این تعلق خاطر از ضعف های موجود چشم پوشی کنند.

🔴 مرد عمل

شهید فخری زاده از آن دست مدیرانی بودند که اگر حرفی می زدند حتما به آن عمل می کردند، در حالی که متاسفانه به سخن کتبی بسیاری از مدیران نمی توان اعتماد و به آنها استناد کرد. بنده حداقل ۲۰ سال با ایشان کار کردم و حتی یک مورد پیش نیامد که ایشان قول و قرار بگذارند و آن را نقض کنند. این ویژگی فوق العاده مهم است. به کرات مدیرانی را می بینیم که امروز حرفی را می زنند و فردا پای حرفی که زدند، نیستند. به خاطر همین بود که بسیاری از افرادی که با آقای فخری زاده کار می کردند حاضر نبودند که ایشان را رها کنند چرا که می گفتند می توان به ایشان اقتدا کرد و تکیه زد. محال بود که حرف و عمل این مرد در تناقض بایکدیگر باشد و این موضوع یکی از خصلت های بسیار خوب ایشان در بحث مدیریتی بود. بحث معیشت و مشکلات مادی کارکنان و کارمندان هم برای شان بسیار مهم بود و اگر کاری از دست شان برمی آمد، دریغ

صادقانه می گویم آقای فخری زاده یک سری مشخصات فردی داشت که شخصا نظیرش را در هیچ کسی ندیدم. معمولا انسان ها دو جور هستند؛ دسته نخست شامل آدم هایی می شود که نظریه پرداز، تئوریسین و صاحب منش، فکر و اندیشه هستند و فرد یا افراد دیگری باید تفکرات آنها را اجرایی کند و گروه دوم نیز مشتمل بر افراد عملگرا و دارای قدرت اجرایی می شود که برای انجام فعالیت باید از تفکرات سازنده بهره بگیرند.

🔴 فیلسوف شهید

آقای فخری زاده تنها کسی بود که این دو ویژگی را با هم داشتند؛ از یک سو روح لطیف و طبع شاعرانه داشتند و شعر می گفتند و حافظ شناس بودند و از طرف دیگر فلسفه علم می دانستند و به نوعی فیلسوف بودند. شهید فخری زاده فلسفه را خیلی خوب می شناختند و در مباحث فیزیک نظری صاحب اندیشه بودند. معمولا افرادی که این تفکرات را دارند، آدم های نظریه پردازی هستند ولی این دانشمند شهید همزمان با نظریه پردازی، آدم بسیار عمل گرایی هم بودند. مدیری که کار اجرایی بلد بودند و مفاهیم کنترل پروژه را می دانستند، بلد بودند در آزمایشگاه کار کنند و انسانی بودند که بر مدیریت زمان، مدیریت جلسه و مدیریت بحران اشراف داشتند. تلفیق این دو ویژگی را فقط در ایشان دیده بودم. ما آدم های عملگرای زیادی داریم که خیلی قوی هستند، آدم های نظریه پرداز موفق و قدرتمندی هم داریم اما وجود این دو ویژگی را در یک فرد ندیده ام و اگر باشد هم بسیار به ندرت است. در محور شخصیت ها هم به طور نسبی از محور کامل سمت چپ و سمت راست برخوردار بودند، چرا می گویم نسبی چون به اعتقاد من هیچ انسانی کامل نیست و همه افراد مجموعا یک سری نقاط قوت و ضعف دارند، از همین رو و براساس ویژگی هایی که بیان کردم، انسانی مشابه ایشان ندیدم.

🔴 توجه به همسر

به یاد دارم شهید فخری زاده از سال ۱۳۸۷. ۱۳۸۵ هر هفته جلسه ای دو سه بار به صورت جدی ورزش می کردند تا این که همسرشان به دلیل این که شهید فخری زاده چند بار مورد حمله تروریستی قرار گرفته بودند دچار فشارهای استرسی و عصبی شدیدی شدند و شهید فخری زاده برای این که زمان بیشتری را با خانواده بگذارند، ورزش را به طور کامل کنار گذاشتند. خیلی خوب فوتبال بازی می کردند،



شهید فخری زاده از آن

دست مدیرانی بودند

که اگر حرفی می زدند

حتما به آن عمل

می کردند، در حالی که

متاسفانه به سخن

کتبی بسیاری از مدیران

نمی توان اعتماد و به

آنها استناد کرد. بنده

حداقل ۲۰ سال با ایشان

کار کردم و حتی یک مورد

پیش نیامد که ایشان

قول و قرار بگذارند و

آن را نقض کنند